

از کارناوال قرون وسطا تا پوچی کمیک

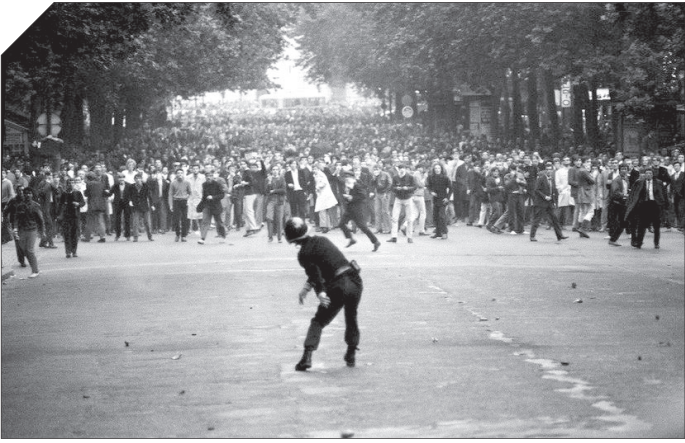
شرق: «کمدی در گذر زمان» مجموعه‌ای است از درسگفتارهای ست لِرر که در آنها تاریخ کمدی از ابتدای شکل‌گیری‌شان در جشنواره‌های دیونیسوسی یونان تا امروز با توجه به زمینه‌های تاریخی-اجتماعی‌شان بررسی شده و در این مسیر از رویکردهای جامعه‌شناسانه، انسان‌شناسانه و روان‌شناسانه استفاده شده است. نویسنده کتاب در هر دوره با مطالعه و تحلیل یک اثر کمدی به‌عنوان نمونه و نیز مقایسه آن با آثار دیگر دوره‌ها، محورهای تکرار شونده آثار کمیک را از دل تاریخ استخراج کرده است. در واقع نویسنده در این مجموعه با بررسی آثار برگزیده هر دوره و کشف محورهای اصلی آنها و نیز نسبتی که با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی دارند، خوانندگان را با شکرده‌های پرداخت یک اثر کمیک آشنا می‌کند. از این نظر این کتاب با شناسایی و شرح تحول محورهایی چون رابطه ارباب و بنده یا فرادست و فرودست، رابطه والدین و فرزندان، مفهوم شهر در برابر ییلاق، کارکرد زوج‌های صحنه‌ای و دوتایی‌های کمیک، مسئله هویت و مفهوم دیگری، سیر تحول پیرنگ اصلی و فرعی و رابطه آن با شخصیت‌های اصلی و فرعی و شگردهایی چون بدل‌پوشی، جعل

هویت و…، جعبه ابزار کاملی در اختیار نویسندگان کمدی قرار می‌دهد که در فرایند نوشتن آثار کمیک کارگشا خواهد بود. لِرر همچنین با توجه به زمینه اجتماعی آثار توجه به بهره‌گیری از نظریات و دیدگاه‌های باختمن سعی کرده به این پرسش پاسخ دهد که جامعه در هر عصر، چه‌چیز را مایه خنده قرار می‌دهد. او در درسگفتار اول، چهار عنصر زبان، پیرنگ، شخصیت و موقعیت زمانی و مکانی را به عنوان ستون‌های اصلی روایات کمیک در نظر می‌گیرد و با عنایت به آرای سه نظریه‌پرداز معاصر، فروید، باختمن و سانتاگ، سیر تطور این چهار عنصر را در ابعاد مختلف از یونان و روم باستان تا قرون وسطا، رنسانس، قرن هجدهم و دوران مدرن بررسی و تحلیل می‌کند.

«کمدی در گذر زمان» با ترجمه ستاره عارف‌کشفی و ویراستاری عظیم طهماسبی در نشر نیلوفر منتشر شده است. یکی از درسگفتارهای قابل توجه کتاب، به موضوع جنسیت مربوط است و پروفیسور لِرر از منظر دیگر به ارتباط جنسیت و کمدی توجه کرده است. مترجم در بخشی از یادداشت ابتدایی‌اش به

در حاشیه کتابی از سابینه فون دیرکه

جنبش دانشجویی و صنعت فرهنگ



اعتراض دانشجویی می ۶۸

به جنایت‌های عظیم دسته‌جمعی، مردمی با فرهنگ قلمداد شوند.» و نیز: «شکلی از ضدیت با فاشیسم که دلش را خوش می‌کرد سلیقه‌اش بهتر از نازی‌هاست و ذهنیت دموکراتیک خویش را با خریدن آنچه نازی‌ها رو به انحطاط می‌خواندند، نشان دهد: نصابوری که در آنها چیزی قابل تشخیص نیست و شعرهایی که چیزی برای گفتن ندارند.». دیرکه می‌گوید این دو مقاله در زمان انتشارشان، ۱۹۶۸، مهتم به این شدند که مدعی‌اند ادبیات مرده است اما دیرکه می‌گوید این ادعا در این دو مقاله وجود ندارد اما درعین‌حال وجه انتقادی مقاله‌ها در اینجاست که می‌گویند ادبیات و نویسندگان به‌عنوان «وجدان جمعی ملت آلمان» نهادینه شده‌اند اما در همان حال به‌عنوان نیروی سیاسی خنثی هستند. درواقع ادبیات نمرده اما بی‌فایده شده است و در وضعیت خاص آن دوره نمی‌توان برای آن کارکرد اجتماعی اساسی قائل بود.

دیرکه می‌گوید انسنس‌برگر رویکردانی جنبش دانشجویی از ادبیات به‌اصطلاح شیوا و زیبا به سود ژانرهایی‌که‌آرآمد را تأیید می‌کرد اما درعین‌حال به ادبیات نخبگان آلمان و جنبش دانشجویی نیز به همان اندازه رویکردی انتقادی داشت: «از جنبش دانشجویی انتقاد می‌کرد که هدفی نادرست، یعنی نسل‌سمن‌تر نویسندگان آلمان غربی، را نشانه گرفته است. پیشهادش این بود که به‌جای این کار، دانشجویها توجه و نیروی انقلابی خود را به نهادهای فرهنگی معطوف کنند، زیرا مسئله به نظر انسنس‌برگر نه نوشته ادبی به خودی خود بلکه جذب آن در صنعت فرهنگ است. انسنس‌برگر توجه‌ها را به ساختارهای نهادی سلطه می‌کشاند و دانشجویها را به دگرگونی‌ای انقلابی در نهادهای فرهنگی فرامی‌خواند. انتقادش از حمله جنبش دانشجویی به نویسندگان مختلف دفاع از وضعیت موجود در عرصه ادبیات نبود. آنها باید در آنچه انسنس‌برگر برنامه سوادآموزی سیاسی برای آلمان می‌نامید شرکت جویند و دست به استفاده از به‌اصطلاح ژانرهای ادبی کارآمد بزنند». به‌این‌ترتیب دیرکه می‌گوید نقد انسنس‌برگر مدعی این نبود که ادبیات مرده است بلکه او معتقد بود که فقط بخشی از ادبیات که مدعی خیال‌پروری و خودمختاری است مرده است. انسنس‌برگر در مقابل این آثار از ادبیات متعهد دفاع می‌کرد.

دیرکه در فصلی دیگر از کتاب «مبارزه علیه وضع موجود»، از جریان‌ها و منتقدانی یاد می‌کند که در میانه دهه هفتاد میلادی در آلمان ضرورت بازگشت به ادبیات شیوا و زیبا را مطرح کردند. او می‌گوید در این زمان منتقدان ادبی سنتی از چیزی دفاع می‌کردند که باربارا کوستا «تغییر جهت از ادبیات متعهد سیاسی مبتنی بر قالب‌های مستند… به قالب تأمل در خویش یا دوباره روی آوردن به روایت‌نویسی» می‌نامید.

این بخش پرداخته و نوشته: «ارتباط جنسیت و کمدی در پایین‌ترین سطح شاید به لطفیه‌هایی برگردد که در دوران معاصر جاشنی ثابت همه استندآپ‌کمدی‌ها هستند اما پروفیسور لِرر در این حوزه به مفاهیم عمیقی همچون ارتباط جنسیت با هویت و زبان پرداخته است… آرای فروید یکی از سه رویکرد نظری اصلی در این مجموعه است که در کنار مباحث نظری سوزان سانتاگ در حوزه هنر کمپ، ارتباطی تتگاتنگ با مسئله جنسیت دارد. از سوی دیگر، دو درسگفتار از این مجموعه به بررسی نقش زنان و دختران در کمدی اختصاص یافته است که طی آن مدرس تبارشناسی زنان و دختران در تاریخ کمدی را بررسی می‌کند و جریان دگرگونی نقش‌های زنان را از حضور به‌عنوان عنصری بصری بر روی صحنه در دوران باستان، تا برعهده‌گرفتن نقش‌واره نمایش‌نامه‌نویس در قرن هفده و هجده میلادی شرح می‌دهد. در همین دو درسگفتار به زنان نویسنده کمدی در دوران معاصر و آثار آنها نیز پرداخته شده است.».

برخاسته از گور



این کتاب با بررسی کمدی ابزورد به پایان می‌رسد؛ یعنی در نقطه‌ای که «لاکی» به‌مدد کلاه متفکر، دو هزار و پانصد سال جست‌وجوی معنا در هنر و ادبیات را در تنهاکوبی معروف خود به اوج می‌رساند و ولادیمیر و استراگون در انتظار گودو چرخ‌ی کامل بر حلقه زمان و مکان می‌زنند تا در قرن بیست، به آغاز کمدی بازگردند. مترجم نوشته‌ت که گزینش و بررسی آثاری خارج از مرزهای ادبیات نمایشی این مجموعه را به مرجمی برای کمدی به‌منابه یک گونه فراگیر هنر و ادبیات تبدیل می‌کند. درسگفتارهای این کتاب، در واقع بخشی از دوره‌های آموزشی صوتی است که با استانداردهای دانشگاهی طراحی شده‌اند. درسگفتارها کوتاه‌اند و هریک را می‌توان در حدود نیم‌ساعت خواند. نویسنده کتاب، ست لِرر، استاد ادبیات انگلیسی و ادبیات تطبیقی در دانشگاه استنفورد است. او پژوهش‌هایی در حوزه‌های ادبیات دوران رنسانس و قرون وسطا، تاریخ ادبیات و نظریات آن، زبان‌شناسی تاریخی و ادبیات کودکان انجام داده است.

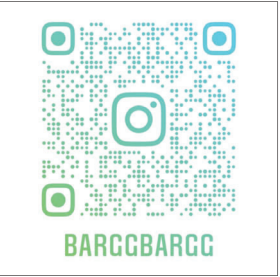
تصویر سراسر شهر را پس می‌داد، مجبور شده بودیم با طناب بندیمش تا در طول راه باز نشود. آن‌وقت بود که پهلوی او ایستاده، تکه‌ای از همان طناب گره‌خورده در دست، برای نخستین‌بار داشتم پوچی و بیهودگی خود را تجربه می‌کردم.

«دلو سی‌وهفتم» عنوان رمانی کوتاه از حمید حیاتی است که این کتاب نیز توسط نشر آکه منتشر شده است. این داستان روایتی است از دختری به نام مریم‌که از بچگی به خیالش صدای مردی را از ته چاه خانه‌شان می‌شنود که او را صدا می‌زند. این داستان که با درآمیختن واقعیت و تخیل روایت شده است. این‌طور آغاز می‌شود: «ته دلو می‌خورد به آب. صدایی توی چاه توره می‌کشد، و می‌پیچد توی دالان. باید صدای مادرچاه باشد. همانی که بچه‌ها را فریب می‌دهد و می‌کشد به کامش. بچه‌ها که می‌روند چاه را نگاه کنند وقتی دست دراز می‌کنند به عکسشان آنها را می‌کشد پایین. می‌گویند به اندازه تمام چاه‌های دنیا سر دارد. هرچند تو سرری ندیده بودی. باید سی‌وهفت دلو خالی می‌کردی توی حوض تا آب شستگ بزند با دلو سی‌وهفتم و بریزد توی پاشویه و برود طرف راه‌آب. به دلو بیستم نرسیده‌ای که تاول دست می‌ترکد و پرزهای ریسمان پوستت را می‌خورد تا به خون می‌رسد. دلسو را رها می‌کنی. ریسمان می‌دود طرف چاه. عین ماری که از دست خدنگی می‌خزد توی سوراخی. اگر مادرت می‌فهمید که دلو را داده‌ای به آب کیس‌گشت می‌کرد و می‌پرد زیرزمین می‌انداخت روی تخت فتری از کاردرآمدهای که زمانی پدرت از پودر تاید جاذبه گرفته بود و خلاصه شده بود لانه موش.»

«میم تاکاباد» نام مجموعه داستانی است از نغمه‌کریم‌نژاد و این‌هم یکی دیگر از کتاب‌های است که نشر آکه اخیرا به چاپ رسانده است. این مجموعه شامل دوازده داستان با این عناوین است: صلح در وقت اضافه، میم تاکاباد، وقت خواب معجزه، شهر قشنگ، سندل سیاه، ساعت سه بعدازظهر، جسدخانه، مهرماه، هتنگ پنجاه‌دوهرتزی، شاهزاده‌خانمی از ماه، آناهیتا و گذر. برخی از این کتاب‌های پیش از این در نشریات ادبی منتشر شده‌اند و برخی‌شان جوایزی هم به دست آورده‌اند. داستان «صلح در وقت اضافه» که اولین داستان کتاب است این‌طور آغاز می‌شود: «از روزی که دلباهای غریبه را روی برف دیدم، چشم بر هم نگذاشتم بوم. هر شب برف، تند می‌بارید و هر صبح دوباره رده‌پایا را می‌دیدم که دورتادور سنگر چرخیده و تا افاق رفته‌اند. عقیق و انگار یک دایره پاکوب شده دور سنگر کشیده باشند و بعد یراست پا کوفته باشند تا افاق. او را که دست‌وپاسته چپانده بوم گوشه سنگر. سکوت هم که تا کیلومترها پخش شده بود توی دست. که اگر خوب گوش می‌کردی صدای افتادن دانه‌های برف را روی کول هم می‌شنیدی. فرمانده کتف بود: به دام می‌افتند. بعد که روی کول محمدحسین و زیر دست و پای بقیه به هوش آمدند، همه آن لحظه‌های آخر به یاد آمد. هنوز هم یادم است و همیشه، به دام افتاده بودیم و به دام افتاده بودنت. دود انفجار و کلوله که نشست، فقط یک نفر از دشمن از لابه‌لای بدن‌های بی‌جان، تکانی خورد و ایستاد. تلوئولو می‌خورد. انگار همان لحظه از گور بیرون آمده باشد، خاک از لباسش می‌ریخت.»

نکته بسیار مهمی که رئیسی‌نژاد از شرح این کلان‌استراتژی دنبال می‌کند، تمهید راهی به‌سوی پایان‌دادن دوکانه امنیت یا توسعه در چشم حکومت‌ها و مسئولان ایران است؛ یعنی در پیش گرفتن راهی که هم‌زمان امنیت و توسعه را محقق کند. کتاب «ایران و راه ابریشم نوین» بینش‌های عمیق و شایان تأملی دارد برای فهم آنچه در محیط پیرامونی ایران می‌گذرد. کتاب بینشی ژئوپلیتیک درباره منافع در حال پیدایش و تغییر کشورهای پیرامون ایران در نسبت با دالان‌ها و اهداف راه ابریشم نوین ارائه می‌کند. کتاب کمک می‌کند تا بصیرت عمیق‌تری نسبت به رفتارهای ترکیه، هند، پاکستان، آمریکا، کشورهای آسیای میانه، کشورهای حاشیه خلیج فارس و اسرائیل در فضای پیرامونی ایران برای خواننده حاصل شود. کتاب نشان می‌دهد که چگونه پیدایش راه‌ها و دالان‌ها در اطراف ایران، درحال شکل‌دادن به جغرافیای اقتصادی و ژئوپلیتیکی جدیدی هستند که ممکن است منافع ملی ایران را برای دهه‌ها یا حتی سده‌ها به‌شدت تحت تأثیر قرار دهند.

کتاب «ایران و راه ابریشم نوین»: از ژئوپلیتیک راه تا دیپلماسی راه» را انتشارات دانشگاه تهران در ۲۸۸ صفحه با قیمت ۱۶۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۰ منتشر کرده است. این سوم این کتاب در آبان ۱۴۰۱ منتشر شده است. برای خرید کتاب می‌توانید از طریق صفحه اینستاگرام برگ‌برگ اقدام کنید.



برگ‌برگ

و بعضی تهدیدی برای منافع ملی ایران هستند. آنها که از ایران می‌گذرند، با منافع ملی ایران سازگارند و آنها که ایران را دور می‌زنند، در تضاد با منافع ملی ایران هستند. ایده رئیسی‌نژاد این است که باید مفهوم تاریخی-جغرافیایی «چهارراه‌بودن ایران» را درک کرد و از طرق مختلف برای استفاده از این مزیت و بازآفرینی آن در دنیای جدید تلاش کرد.

او در پی نشان‌دادن اهمیت گذرکردن دالان‌های کلان‌پروژه چین از مسیر ایران است. دیپلماسی راه ابزاری است که وی برای تحقق این هدف پیشنهاد می‌کند. او باور دارد که باید ایران را کشوری راه‌آهن‌محور ساخت و بنادر ایران در دریای عمان و کاسپین راه‌سوزاری کرد. رئیسی‌نژاد از سازمان‌دهی نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور بر محور دیپلماسی راه حمایت می‌کند. او همچنین از راهبردی برای درهم‌تیند خطوط راه‌آهن، جاده‌ها، بنادر و خطوط انتقال انرژی برای استفاده از مزیت چهارراه‌بودن ایران در جهان حمایت می‌کند.

هدف نهایی کتاب شرح ایده و جزئیاتی از یک کلان‌استراتژی برای بازتعریف نقش ایران در منطقه و جهان و در نتیجه قدرت و پرستیژ کشور است. این کلان‌استراتژی باید با اصلاحات اقتصادی در کشور در هم تنیده شود، شبکه‌های منطقه‌ای در راستای منافع ملی ایران را شکل دهد و به تحکیم روابط و حکومت در چارچوبی جدید بینجامد.



نویسنده تلاش می‌کند تا نگاه چینی‌ها به این طرح، جزئیات مهمی از آن و عرصه‌های مختلف ظهور ایده چین-نظیر راه ابریشم سلاط، راه ابریشم دیجیتال، راه ابریشم علمی، راه ابریشم فرهنگی و…- به علاوه بازیگران و کنشگران مهم این طرح را معرفی کند. فصل دوم به سویه‌های ژئوپلیتیک این طرح و ازجمله نسبت آن با امنیت چین، بازیگران مهمی نظیر آمریکا و هند، ترکیه، اسرائیل و ایران می‌پردازد. عنوان ژئوپلیتیک راه بیانگر تلاش نویسنده برای فراتربردن راه از موجودیتی زیرساختی به امری ژئوپلیتیک است.

رئیسی‌نژاد در فصل سوم می‌کوشد رخدادهایی که طرح راه ابریشم نوین چین را خلق کرده، پیش برده یا کند کرده‌اند، تشریح کند. او در ضمن بر تشریح روندهایی در جهان و در جغرافیای مسیرهای راه ابریشم نوین متمرکز می‌شود که بر سرنوشت این طرح مؤثر هستند. فصل چهارم، شرحی بر دالان‌ها یا کریدورهای مختلفی است که راه ابریشم نوین چین را تشکیل می‌دهند. آخرین فصل کتاب نیز بر محور مفهوم دیپلماسی راه سامان یافته است. فصل اول کتاب رئیسی‌نژاد شرح و توصیفی درباره راه ابریشم باستانی و ویژگی‌های راه ابریشم نوین است که چینی‌ها مدنظر دارند.

ایران و راه ابریشم نوین

از ژئوپلیتیک راه تا دیپلماسی راه

محمد فاضلی؛ راه ابریشم چنان جایگاه و اهمیتی داشته است که مورخی نظیر پیتر فرانکون توانسته در کتاب «راه‌های ابریشم: تاریخ جهان از دیدگاهی نو» (نشر مرکز، ۱۳۹۹) تاریخ جهان بر محور آن را روایت کند. چینی‌ها حالا هزاران سال پس از پیدایش راه ابریشم و نقش‌آفرینی آن در تاریخ جهان، تصمیم گرفته‌اند قدرت دوباره سربزآورده خود را در قالب «راه ابریشم نوین» بازآفرینی کرده و آن را در سطح جهان بگسترانند. ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای جهان، ناگزیر از تعریف نسبت خود با این پروژه بزرگ چین است.

راه ابریشم نوین شامل شماری از مسیرهای دریایی و زمینی، شبکه‌های ارتباطی، لوله‌های نفت و گاز، بنادر، فرودگاه‌ها، خطوط راه‌آهن و تأسیسات انرژی است. هدف نهایی این کلان‌پروژه، کاهش مخاطرات ناشی از بسته‌شدن مسیرهای دریایی –به‌ویژه تنگه مالاکا و تنگه هرمز– و تهدید دسترسی چین به منابع انرژی و مواد خام، تأمین دسترسی چین به بازارهای بین‌المللی، توسعه عملیات شرکت‌های چینی در کشورهای مسیر راه ابریشم نوین و فراقتنی قدرت چین جدید به واری

